

## چرا پاکستان در بحران یمن بی طرف ماند؟

### پیشینه رابطه پاکستان و عربستان

برای درک روابط پاکستان و عربستان باید اندکی به عقب بازگردیم؛ سال گذشته که عبدالعزیز پادشاه عربستان به پاکستان سفر کرد و حدود یک و نیم میلیارد کمک بلاعوض به این کشور پرداخت کرد. چندی پیش تر از حمله به یمن، پادشاه عربستان سران برخی کشورها از جمله نواز شریف نخست وزیر پاکستان، رجب اردوغان رئیس جمهور ترکیه، شاه اردن و امیر قطر را به ریاض فراخواند. با رفتن نواز شریف به ریاض به نقل از منابع دولتی پاکستان نوشته شد که شاه عربستان از نواز شریف درخواست داشته است که با توجه نفوذ منطقه ای ایران از یک سو، و از سوی دیگر مذاکره ایران با آمریکا که امکان دارد به انعقاد معاهده هسته ای بیانجامد باید ائتلافی علیه ایران تشکیل شود. در آن زمان گفته شد که پاکستان به این درخواست پاسخ نداده، اما اعلام کرده است اگر عربستان و اماکن مذهبی مورد تهدید قرار گیرد پاکستان در کنار عربستان خواهد بود.

### حمله عربستان به یمن و رویکرد طرفدارانه پاکستان

همزمان با سفرهای دیپلماتیک، یمن مورد حمله واقع شد. حمله به یمن مورد تأیید کشورهای اتحادیه عرب نبوده است. عربستان به تنهایی و با سراسیمگی هجوم به یمن را آغازید. پس از این حمله عربستان با نواز شریف ارتباط تلفنی برقرار کرده و وعده های خود را یادآوری میکند؛ وی اعلان میکند اکنون زمانی است که پاکستان باید به عربستان کمک کند، یعنی مجموعه نیروهای نظامی خود را در راستای حمله به یمن سازماندهی کند. در این فضا مانور مشترک نیروهای عربستان سعودی و پاکستان در جنوب غرب عربستان در منطقه الحبا ادامه می یابد، و دولت پاکستان برای اعزام نیرو به عربستان اعلام آمادگی میکند.

### عوامل موثر در اعلام بی طرفی پاکستان

#### الف: عوامل داخلی:

**افزایش مخالفت ها:** به محض اعلام رویکرد دولت پاکستان در قبال عربستان مخالفت های بسیار شدیدی از سوی گروه های سیاسی و مذهبی صورت گرفت. چنانچه گروه هایی مانند جماعت اسلامی (که با عربستان سعودی ارتباط خوبی دارند) و جمعیت علمای اسلام به رهبری مولانا فضل رحمان اعلام کردند که افرادی که صحبت از اعزام نیرو به عربستان می کنند باید درک کنند اعزام نیرو به عربستان مساله ای بسیار جدی است، حال آنکه ما باید کشورهای همسایه را (یعنی ایران) برای خود حفظ کنیم. گذشته از این آقای سراج الحکیم امیر جماعت اسلامی که عضو مجلس سنا است در پارلمان اظهار داشت، پاکستان باید به عنوان یک میانجی نقش ایفا کند، و این آتش را فرونشاند نه اینکه با اعزام نیرو به آتش افروزی بپردازد. این آتش افروزی ممکن است دامن پاکستان را نیز بگیرد و امنیت آن را تهدید کند. وی همچنین در طی نطقی در اجلاس مشترک اعلام کرد که اگر عربستان برای اتحاد در جهان اسلام نقش ایفا می کند ما آماده حمایت آن هستیم.

#### نگاه دو جریان عمده بریلوی و دیو بندی به بحران یمن و مداخله پاکستان:

بریلوی ها کاملاً مخالف این امر هستند. اما کسانی مانند محمد احمد رهبر سپاه صحابه که منابع مالی آن ها از عربستان تامین می شود با این امر موافق بوده اند. رهبر جماعت الدعوه که بیشتر کشمیری هست، نیز در جمعه گذشته گفته بود پاکستان باید برای دفاع از اماکن مذهبی نیرو به عربستان اعزام کند. اما به استثنای گروه های تکفیری که سپاه صحابه، جماعت الدعوه که عقیده داشتند ارتش باید در یمن به جنگ بپردازد، (این امر طبیعی است و نیروهایی از آنها به یمن میروند) سایر نیروهای سیاسی پاکستان یا ورود به جنگ یمن مخالف هستند.

در همین فضا آقای سراج الحق و مولانا رحمان (که دیوبندی هستند) عقیده داشتند این جنگی است که آمریکا راه اندازی کرده تا ایران و عربستان را درگیر کند، و در واقع این جنگ شیعه - سنی نیست. چنانچه اخیراً نوزده جماعت گوناگون اهل سنت فتوایی داده بودند که حوثی ها شیعه نبوده و اهل سنت و یا نزدیک به سنی ها هستند. برخی علمای اهل سنت در پارلمان اظهار داشتند، عربستان از مکه و مدینه به عنوان سپر استفاده می کنند و قصد دارد با استفاده ابزاری از این دو مکان مقدس (که جزء ایمان مذهبی مردم است) پنهان شود. در صورتی که تهدیدی نسبت به این مناطق صورت نگرفته است، تهدیدی نیز اگر باشد از سوی صهیونیست ها است. صهیونیزم قصد دارد با بهانه تامین امنیت در مکه برنامه ای مانند قبله اول پیاده کند و قبله دوم را نیز به محاصره خود بگیرد.

ایران سعی دارد در بحران یمن نقش میانجی ایفاء کند. پارلمان پاکستان نیز به دولت توصیه کرده است "مانند ایران عمل کند."

در کل باید گفت هیچ نشانه ای در پاکستان از سوی سنی های دیوبندی و بریلوی دیده نشده است که برای اعزام نیرو به عربستان به حکومت فشار آورده باشند. لذا اجماع اخیر باعث شد که پاکستان تصمیم بگیرد که به عربستان نیرو ارسال نکند و از اقدام سعودی ها حمایتی نکند.

### نگرش احزاب مختلف:

نواز شریف مدیون عربستان بوده است- به جهت آنکه طی ده سال تبعید بوده است و ۱۹۹۹ که به اتهام خیانت باید اعدام می شد و توسط عربستان نجات یافت- لذا تمایل به مشی و حمایت از عربستان داشت.

به استثنای حزب حاکم، اما همه جریانات سیاسی از جمله حزب مردم که از بزرگترین احزاب است با حمایت عربستان موافق نبوده اند. حزب عمران خان از احزاب سنی پاکستان است و موضع هوشمندانه ای داشت، مبنی بر اینکه در گذشته نیز چنین سیاست هایی اعمال شده است و کشور پاکستان به محلی برای تروریست ها تبدیل شده است. اکنون چه ضرورتی وجود دارد که جنگ نیابتی برای عربستان داشته باشیم، در حالی هدف عربستان در این جنگ سرکوبی مردم و تشکیل حکومتی تابع در آن منطقه است. در حالی که مردم در آن منطقه هوشیار شده و عربستان سعودی بیم دارد که اگر این بیداری در نطفه خفه نشود، به مردم عربستان منتقل شود و برای حکام عربستان تولید بحران کند.

**نقش شیعیان پاکستان در اعلام بی طرفی مجلس:** نقش شیعیان پاکستان از ابتدا مشخص بوده است و آنها اعلام موضع کرده اند که حمله عربستان صحیح نیست. و آمریکا و صهیونیسم در پشت پرده این جنگ به دنبال راه اندازی جنگ شیعه و سنی در منطقه می باشند. سنی ها نیز هم نوا با شیعه ها چنین عقیده ای دارند و این حمله را نقشه آمریکا می دانند و از درگیری با این جنگ مخالف هستند. حتی باید گفت برخی از سنی ها در گفتگو با من بیان می کردند که نباید نیرویی از ارتش پاکستان به یمن اعزام شود، زیرا پاکستان فقط به سنی ها تعلق ندارد بلکه ۳۰ الی ۳۵ میلیون شیعه در پاکستان حضور دارند و آن ها نیز در این کشور حق دارند. لذا هر چند این جنگ شیعه و سنی نیست اما با توجه به دامن زدن به این امر اگر چنانچه این جنگ، جنگ بین شیعه و سنی ها باشد، در پاکستان نیز باید انتظار چنین امری را داشته باشد.

**ارتش پاکستان و بحران یمن:** در کل باید گفت اگر ارتش تمایلی به نفع عربستان داشت، به قطعنامه اخیر توجهی نمی لفرکرد و وارد بحران می شد. اما ارتش پاکستان در چندین منطقه درگیر است. (حدود دویست هزار نیروی ارتش پاکستان در وزیرستان از ماه ژوئن تا کنون درگیر است، همچنین در مناطق خیبر، کراچی و بلوچستان درگیر است). لذا ارتش پاکستان دیگر توان و یارای ورود به این جنگ را ندارد. شاید اگر درگیری های مذکور در داخل پاکستان وجود نداشت، ارتش پاکستان وارد جنگ میشد. بنابراین راحیل شریف اعلام کرد که پارلمان هر تصمیمی که اتخاذ کند ما تابع آن هستیم. در این بین باید گفت ضعف ارتش و نیرو نیز در

عدم اعزام نیرو به عربستان بی تاثیر نبوده است. هر چند اکنون نیروهای از پاکستان در عربستان حضور دارند و حفاظت از مناطقی مهم در دست ارتش پاکستان است.

### ب: عوامل منطقه ای در اعلام بی طرفی پاکستان

**ناکامی عربستان :** پاکستانی ها آگاه هستند که حمله عربستان یک اشتباه استراتژیک است. حمله عربستان شباهت های زیادی با حمله به افغانستان دارد، هم مردم افغانستان با یمن شباهت دارند و هم جغرافیا و شرایط زمینی یمن با افغانستان شبیه است. پاکستان می داند اگر عربستان وارد جنگ شود یمن گورستان خواهد شد. مانند روسیه و انگلیس که به افغانستان وارد شدند و در آن فرو رفتند. به علاوه ارتش پاکستان متوجه شد که ارتش عربستان و متحدین آن قادر به انجام عملیات مهمی نیستند چراکه قدرتی ندارد و فقط با توان ارتش پاکستان می‌خواهند وارد یمن گردند. به طوری که سخنگوی ارتش عربستان اعلام کرده است که هنوز هم منتظر ارتش پاکستان هستند و با قدرت ارتش پاکستان قصد وارد شدن به یمن را دارند.

**تاثیر بازیگران خارجی و بین المللی (به ویژه ایران) در تصمیم گیری پاکستان :** سفر آقای اردوغان به تهران، و نیز سفر آقای ظریف به اسلام آباد در تغییر این تصمیم گیری نقش مهمی داشته است، گرچه از ابتدا نیز مشخص بود که پارلمان با اعزام نیرو مخالفت دارد، در قطعنامه نیز افزایش فشارهای داخلی و رهبران مذهبی پاکستان باعث شد دولت از مداخله در بحران یمن به نفع سعودی ها خودداری کند.

آمده است که پاکستان نیز باید مانند ایران و ترکیه نقش ایفا کند. اظهار نظرهای آقای ظریف و چهار موردی در رابطه با اینکه ابتدا باید جنگ متوقف شود، سپس باید به مردم جنگ زده و غیرنظامیان مجروح رسیدگی صورت گیرد، سپس مداخله های خارجی قطع شود و مذاکرات برای تشکیل یک حکومت فراگیر انجام شود نیز در پاکستان مورد استقبال واقع شده است. ایران سعی دارد در بحران یمن نقش میانجی ایفاء کند. پارلمان پاکستان نیز به دولت توصیه کرده است "مانند ایران عمل کند".

**تصمیم گیری در مورد بحران یمن و تشکیل مجالس :** زمانی که نواز شریف با مخالفت ها روبه رو شد مجبور به تشکیل اجلاس سران شد. اجلاس سنا و مجلس ملی تا جمعه هفته گذشته تداوم داشت. در نطق های این مجالس جملگی مخالفت کرده و اشاره کردند این یمن است که مورد تعارض قرار گرفته. در این بین اشخاصی نیز در مجلس ملی اظهار داشتند عرب ها در فضای انقلاب قرار دارند، چرا باید پاکستان در مقابل مردم قرار گیرد و به عربستان نیرو اعزام کند؟ برخی دیگر نیز اعلام کردند اگر اعزام نیرو صورت گیرد نه به سود عربستان و نه پاکستان خواهد بود، بلکه باید گفت به ضرر کل جهان اسلام تمام می شود؛ چراکه جنگی شکل می گیرد که آنرا آمریکا هدایت میکند، و ختم این جنگ بسیار مشکل می باشد. طی این بحث ها در اختتامیه جلسه روز جمعه گذشته، قطعنامه ای با اکثریت قاطع آرا با این مضمون صادر شد که پاکستان بخشی از جنگ عربستان و یمن نخواهد بود، مگر اینکه عربستان سعودی در داخل خود مورد تهدید تروریستی قرار گیرد و اماکن مذهبی مورد تعرض باشند. در این صورت وظیفه دفاع و محافظت از استقلال و امنیت عربستان برای پاکستان مطرح است. همچنین در این قطعنامه قید شده است که ایران و ترکیه به عنوان میانجی برای حل مسالمت آمیز این مسئله تلاش کنند. در این بین موضع بی طرفی از سوی پارلمان مورد نظر ملت پاکستان است. چرا که دولت پاکستان دولتی سیاسی و دموکراتیک است، زیرا با رای مردم شکل گرفته است. باید گفت دولت پاکستان ابتدا انتظار نداشت که مخالفت ها صورت گیرد، اما با اعمال مخالفت ها تسلیم خواسته مردم شد. اگر چه قصد اصلی کمک به عربستان بود اما ناچار به همراهی با خواسته نمایندگان مردم شد. افزایش فشارهای داخلی و رهبران مذهبی پاکستان باعث شد دولت از مداخله در بحران یمن به نفع سعودی ها خودداری کند.

**عاشق حسین طوری - کارشناس پاکستان**

این یادداشت حاصل گفتگو با جناب طوری است.

انتهای متن /